از روزي كه اميرالمؤمنين عليه السلام خانه نشين شد ، دنيا پر از ظلم و ستم شد

محمدمهدي راستگو

 روايات بسياري از رسول اكرم (صلي الله عليه‌وآله) به اتفاق شيعه و سني نقل شده و ائمه هدي (عليهم‌السلام) هم به آن‌ها تصريح كرده‌اند كه حضرت مهدي دنيا را پر از عدل و داد مي‌كند همان‌طور كه پيش از آن پر از ظلم و جور شده است.

 اما يك پرسش اين جا مطرح است كه آيا در زمان ما آن طور كه در روايات بيان شده، دنيا پر از ظلم و جور شده است؟ زيرا بعضي مي‌گويند كه هنوز آن گونه دنيا پر از ظلم و جور نشده و به اشتباه گمان مي‌كنند كه معناي پر شدن زمين از ظلم و جور اين است كه همه ظالم و يا فاسد گردند و فرد يا اجتماع صالحي يافت نشود تا پرشدن زمين از ظلم و جور مصداق پيدا كند. ولي حقيقت اين است كه اولاً آن چه در روايات از پر شدن زمين از ظلم و جور آمده، در واقع به عنوان خبري است از آينده و معنايش اين است كه در زمان غيبت حضرت ولي عصر ارواحنافداه، نتيجه‌ي دوري مردم از آن حضرت و حكومت حاكمان جائر و ظالم، موجب اشاعه ظلم و جور و فساد در زمين است، نه اين كه شرط ظهور آن حضرت پر شدن زمين از ظلم و جور باشد.

 ثانياً معنايش اين نيست كه همه ظالم و فاسد باشند، چون؛ “اگر همه ظالم باشند و در مقابل مظلومي نباشد، ظلم صورت نگرفته”. [1] بلكه معنايش اين است كه يك عده ظالم و فاسد جهان را تحت سلطه خودشان قرار مي‌دهند و ديگران را به استضعاف مي‌كشانند و طبق هواي نفس خود بر ديگران حكومت مي‌كنند كه نتيجه طبيعي چنين حكومت‌هاي جوري، فراگير شدن ظلم و فساد در سراسر عالم است، همان گونه كه امروزه به وسيله ابرقدرت‌هاي سلطه گر جهاني مصداق پيدا كرده است و اين معنا به صراحت در فرمايشي از نبي مكرم اسلام (صلي الله عليه و آله و سلم) بيان شده است: “ينزل بامتي في آخرالزمان بلاء شديد ..”. :”در آخرالزمان بلاي سختي از جانب سلطان بر امت من نازل مي‌شود، بلايي كه سخت‌تر از آن شنيده نشده است به طوري كه زمين فراخ بر آن‌ها تنگ شده و پر از جور و ستم مي‌گردد و مؤمنين پناهگاه و دادرسي از ظلم و ستم نمي‌يابند، پس خدا مردي از خاندان مرا مي‌فرستد تا زمين را پر از عدل و داد، كند چنان كه از ظلم و جور پر شده است”. [2]

 اما در حقيقت بايد گفت همه اين ظلم و جورها و فسادهايي كه امروزه دنيا را فرا گرفته است، نتيجه‌ي ظلم و جور عظيمي است كه چهارده قرن پيش، بعد از رحلت پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله)، دشمنان ظالم و جائر دين در حق خاندان عصمت و طهارت (عليهم السلام) روا داشته‌اند و آن كنار گذاشتن علي بن ابي طالب (عليه‌السلام) از خلافت و رهبري و هدايت مردم و به دنبال آن به شهادت رساندن حضرت فاطمه زهرا ‌(سلام‌اللّه‌عليها)، كوثر و معدن علم و حكمت الهي بود كه در واقع در همان زمان، دنيا از ظلم و جور پرگشت و هر چه امروز از مظاهر جور و فساد مي‌بينيم، ثمره‌ي همان ظلمي است كه به دست اول ظالم در حق خاندان عصمت (عليهم‌السلام) اتفاق افتاد.

 چه ظلمي بدتر از خانه نشين كردن اميرمؤمنان و محروم ساختن مردم از انوار هدايت آن حضرت و خارج كردن امت از صراط مستقيم دين؟! و چه ظلمي بدتر و بالاتر از كشتن دختر پيامبر كه انوار مقدسش تمام عالم را روشن كرده و چشمه‌هاي جوشان حكمت از وجود مقدسش جريان يافته و جام هدايت و امامت را پرساخته تا كام تشنگان را سيراب نمايد؟! و در واقع به شهادت رساندن او سر آغاز مصائب سختي بود كه يكي پس از ديگري بر خاندان عصمت و طهارت وارد گشت و به قول شاعر: ‌ ‌

 يا نفس ان تلتقي ظلماً فقد ظلمت بنت النبي رسول الله و ابناها[3]

 “اي نفس اگر ظلم و ستمي مي‌بيني بدان براي آن است كه به دختر پيامبر و فرزندان او ظلم شد”.

 آري منشأ همه انحرافات و سرگرداني‌هاي امروز بشر، همان انحراف بزرگي است كه بعد از رحلت پيامبر اكرم (صلي اللّه عليه وآله) بر سرجانشيني و خلافت ايشان به وجود آمد و امت اسلامي را از صراط مستقيم به بيراهه كشاند و از قرآن و اهل بيت(عليهم‌السلام) جدا نمود.

 همه آتش هايي كه امروز در عالم شعله ور است و حيات مادي و معنوي انسان‌ها را به كام خود كشيده از لهيب همان آتش به پا خاسته است كه درب خانه خاندان رسالت را به آتش كشيد.

 تمام ظلمت‌ها و جهالت هايي كه امروز روح و باطن بشر را به تاريكي و تباهي كشانده از همان معدن جهل كلي نشأت گرفته است كه بعد از رحلت پيامبر اكرم (صلي اللّه عليه وآله) مردم را از مسير سعادت خارج كرده و از عروة الوثقاي هدايت جدا نمود و به همان گمراهي و جهالت‌هاي پيشين خود كشاند. او اساس دين را از جاي اصلي خود منتقل كرد و به كانون تباهي و فساد كشاند. “و اذا تولي سعي في الارض ليفسد فيها”: [4] “و او در پشت سر وقتي رو مي‌گرداند و يا ولي مردم مي‌شود (قدرت را به دست مي‌گيرد) سعي مي‌كند كه در زمين فساد كند”.

 پس آيا در همان زمان دنيا از ظلم و جور پر نگشت؟

 آيا بعد از ريختن خوني كه ثار الله است و خودش نفس الله، كسي كه از ريخته شدن خونش جميع اهل آسمان ‌ها مصيبت زده شده و به ناله و ضجه آمدند، دنيا هنوز پر از ظلم و جور نشده است؟

 و يا بعد از كشتن امامي بعد از امام ديگر و به اسارت بردن و به غربت رفتن و به مظلوميت كشاندن فرزندان پاك فاطمه زهرا عليهاالسلام (فقتل من قتل و سبي من سبي و اقصي من اقصي) تا جايي كه گفتن و شنيدن آن چه بر سر ذريه‌ي پيامبر رفته از طاقت بيرون است، آيا ديگر اثري از امن و عدل در زمين مانده است و هنوز از ظلم و جور پر نگشته است؟ كه به قول "ناشي‌ء‌ صغير"، مرثيه سراي اهل بيت: ‌ ‌

 (بني احمد)... !

 فما بقعة في الارض شرقا و مغربا وليس لكم فيها قتيل ومصرع

 ظلمتم و قتلتم و قُسِّم فيئكم وضاقت بكم ارض فلم يك موضع

 كَأَنَّ رسول الله اوصي بقتلكم واجسامكم في كل ارض توزّع‌[5]

 “ (اي فرزندان احمد)! در مشرق و مغرب زمين جايي نيست، جز آن‌كه از شما در آن جا كشته اي و يا در خاك و خون آغشته اي است. بر شما ستم كردند، شما را كشتند و آن چه از شما بود بردند، تا آن‌كه زمين بر شما تنگ شد و مردم آن با شما در جنگ، گويا سفارش رسول خداست كه شما را از دم تيغ بگذرانند و هيچ سرزميني را از پيكرهاي شما بي نصيب نگذارند”.

 و به فرمايش امام سجاد (عليه السلام) انگار پيامبر اكرم (صلي اللّه عليه وآله) مردم را نه به مودت بلكه به ظلم و ستم بر اهل بيتش سفارش نموده كه اگر اين را هم توصيه مي‌كرد، بيشتر از اين نمي‌توانستند در حق اهل بيتش ظلم كنند.

 و بالاخره آن فتنه‌ها و ستم ها، آن كج روي‌ها و گمراهي‌ها ما را دچار مصيبتي سخت‌تر و جانكاه‌تر يعني مصيبت و فراق امام عصر ارواحنافداه ساخت و ما را از همنشيني با او محروم كرد و بشر را در تاريكي غفلت و فراموشي از امام زمانشان فرو برد و به ظلمت جهل و ناداني و بي خبري از انسانيت و معنويت كشاند كه كلام گهر بار اميرالمؤمنين(عليه‌السلام) گواه همين مطلب است آن جا كه ريشه‌ي گمراهي‌ها و وقايع تلخ آينده و غيبت امام عصر(عليه‌السلام) را سرپيچي و طغيان و ارتجاع به جهالت آن روز مي‌دانند و مي‌فرمايند: “و اخذوا يميناً و شمالاً، طعناً في مسالك الغي و تركاً لمذاهب الرشد..”.؛ “و (ظالمان و فتنه جويان) از راست و چپ راه‌هاي گمراهي را گرفتند و از راه‌هاي هدايت و رستگاري چشم پوشيدند، پس شتاب نداشته باشيد آن (فتنه‌ها و حوادثي كه از اين پس) واقع خواهد شد و انتظار آن مي‌رود و دير مشماريد آن چه را كه فردا بر سر شما خواهد آمد، بسا شتاب كننده به چيزي چون آن را دريابد، آرزو كند كه كاش به آن نرسيده بود و چه بسيار نزديك است امروز آثار فردا (آن فتنه‌ها و وقايع تلخي كه نتيجه‌ي ظلم و ستم امروز شماست.) اي مردم! اين وقت، زمان آمدن هر موعودي است و گاه نزديك شدن ديدار فتنه هايي است كه در آن آگاه نيستيد (اكنون كه ديگران حق مرا غصب كرده و هر نالايقي ادعاي خلافت مي‌كند، فتنه و فساد در عالم شروع شده و هر چه به پيش برويد در خواهيد يافت آن چه را كه به شما خبر مي‌دهم.)آگاه باشيد كسي از ما (صاحب الزمان عجل الله تعالي فرجه الشريف) آن فتنه‌ها را دريابد و در تاريكي آن فسادها با چراغي روشن سير كند و بر رويه نيكان رفتار نمايد تا در آن گرفتاري‌ها بندي را بگشايد و اسيري را (از قيد جهل و ناداني) آزاد كند و جمعيت (گمراهي) را پراكنده سازد و پراكندگي حق را گردآورد. در غيبت و پنهان از مردم باشد كه اثر و نشانه‌ي او را جوينده نمي‌بيند، هر چند در پي او نظر افكند”. [6] ‌ ‌

 و در حقيقت آن بلاي عظيمي كه ما بدان مبتلا گشته‌ايم و زمين را براي ما تنگ كرده و آسمان را مانع شده است، غيبت محبوبمان و امام عزيزمان است كه شكايت آن را به پيشگاه خداي تعالي مي‌بريم كه اوست كاشف الكرب و البلوي و از او كمك مي جوييم و ظهور آقايمان را از او مسئلت مي كنيم.

 پي‌نوشت‌ها:

 ‌1– مصلح غيبي، صفحه 128.

 2– دادگستر جهان، صفحه 27.

 3– زندگاني فاطمه زهرا سلام الله عليها، صفحه‌ي 199.

 4– سوره مباركه‌ي بقره ايه 205.

 5– زندگاني فاطمه زهرا سلام الله عليها، صفحه‌ي 202.

 6– نهج البلاغه،